

معنی لغات جدید درس اول و ستایش

دمی: لحظه ای	جوی: پیدا کن	بود: باشد، هست	صبحگاه: هنگام صبح
نهان: پنهان، مخفی	نشان: نشانه، علامت	جهان افروز: روشن کننده ی جهان	غوک: غورباغه
داوری: قضاوت کردن	نیلی: آبی تیره کبود رنگ	برکه: آبگیر، گودالی که در آن آب جمع شده باشد	
انبوه: زیاد، فراوان	زینت داد: تزیین کرد	گلگون: سرخ رنگ	تاب نیاوردند: تحمل نکردند
صنوبر: نام درخت	جلا دادن: شفاف و پاکیزه، صاف و براق	قشر: لایه	دل انگیز: زیبا، جالب
چیره دست: ماهر، استاد، زبردست	معرفت: شناخت	شگفت انگیز: عجیب و غریب، تعجب آور	
پذیرفت: قبول کرد	آویخت: آویزان کرد	ارغوانی: قرمز مایل به بنفش	بگشود ص: باز کرد
رمه: گله	پهنه ی دشت: سطح دشت	نشانید: گذاشت، قرار داد	سراغ: پی چیزی رفتن، دنبال

واژگان هم خانواده

(صبح - صبحگاه - صبحانه)	(جوی - جوینده)	(روشن - روشنایی)
(هنرمند - هنرنا - هنر)	(طبیعت - طبع - طبیعی)	(سطح - مسطح - سطوح)
(اثر - تأثیر - موثر)	(معرفت - عرفان - تعریف - معروف)	(تصویر - مصوّر - تصاویر - صورت)
(مزارع - مزرعه - زراعت - زرع)	(مهاجر - مهاجرت - هجرت)	(نقش - نقاش - نقشه)
(هوش - هوشیار - باهوش - هوشمند)	(قشر - اقشار)	(زینت - تزیین)
(پهن - پهنه - پهناور)	(منظره - نظر - ناظر - نظارت)	(انتظار - منتظر)

واژگان متضاد

هست = نیست	متصل = جدا	سوال = جواب	دیدم = ندیدم
آهسته = سریع	نهان = آشکار	نیکی = بدی	روشنایی = تاریکی